

بررسی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر قانون‌گریزی

شهروندان استان اردبیل

طاها عشایری^۱، الهام عباسی^۲، علیرضا نطقی کاشانی^۳، نرگس پیرحیاتی^۴

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۰۲

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۲/۲۰

چکیده

زمینه و هدف: قانون‌گریزی به نادیده گرفتن قانون در رسیدن به اهداف موردنظر و استفاده از روش‌های غیرمرسوم و غیرقانونی در جامعه اشاره دارد. هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر قانون‌گریزی شهروندان استان اردبیل است.

روش: روش مورد استفاده از نوع پیمایشی (کمی) و ابزار آن پرسشنامه است. پایایی سؤالات با استفاده از آلفای کرونباخ و روایی آن با استفاده از مطالعه متخصصان و صاحب‌نظران ارزیابی شده است. حجم نمونه با استفاده جدول مورگان ۱۴۵۰ نفر تعیین و پرسشنامه به صورت تصادفی سیستماتیک توزیع شده است.

یافته‌ها: نتایج حاصل از آزمون استنباطی نشان می‌دهد که بین آگاهی از قانون، طرد اجتماعی، سنت پرستی، فردگرایی، نابرابری طبقاتی، جامعه‌پذیری، نظارت اجتماعی، ضعف اخلاق شهروندی، ضعف منزلت اجتماعی قانون و ضعف عملکرد نهادهای قضایی و انتظامی با قانون‌گریزی شهروندان رابطه معنادار داشته و با متغیر فقر فرهنگی رابطه معنادار نداشته است. یافته‌های رگرسیون چندگانه نشان می‌دهد که بیشترین ضریب تبیین متغیر قانون‌گریزی را متغیر مستقل ضعف منزلت اجتماعی قانون و کمترین تبیین را نابرابری طبقاتی داشته است.

کلید واژه‌ها

قانون‌گریزی، شهروندان، منزلت اجتماعی، فردگرایی، طرد اجتماعی

^۱ - دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه کاشان، نویسنده مسئول t.ashayeri@gmail.com

^۲ - عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور تهران، صندوق پستی ۳۶۹۷-۱۹۳۹۵

^۳ - کارشناس ارشد علوم اجتماعی

^۴ - کارشناس ارشد علوم اجتماعی

مقدمه

قانون عبارت از قواعدی است که توسط نمایندگان رسمی و مشروع مردم تهیه می‌شود و از قدرت و ضمانت اجرایی برخوردار است (فکور، ۱۳۷۸: ۹۴). مهم‌ترین کارکرد قانون و مقررات، تنظیم روابط میان دولت و شهروندان از سویی و شهروندان باهم از سوی دیگر است (جوادی یگانه و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۲). زندگی اجتماعی انسان تحت حاکمیت قواعد یا هنجارهای اجتماعی یا قانون است. قانون مایه قوام و ثبات جامعه است (شاه‌آبادی و ترکان، ۱۳۹۰). قانون واقعی نیاز به پذیرش و قبول همگانی دارد. قانون زنده قانونی است که مورد قبول عامه مردم باشد (عضدانیلو، ۱۳۹۰: ۴۷۰) و بر رفتارهای افراد در عرصه‌های مختلف حاکم است (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۸۸). قانون‌پذیری و قانون‌گرایی در جامعه به‌منزله گرایش آگاهانه و داوطلبانه و ارادی اکثریت قریب به اتفاق مردم از قوانین و مقررات موجود و عمل به آنهاست (صداقت، ۱۳۸۴) و همچنین قانون‌گرایی، میزان اهمیتی است که شهروندان برای قانون قائل می‌شوند و با شاخصهایی مانند نگرش مثبت به قانون، کاهش ارتکاب به جرائم و تخلفات، افزایش مشارکت اجتماعی و افزایش انسجام وحدت اجتماعی قابل‌سنجش است (محسنی، ۱۳۸۴).

قانون‌گریزی ریشه در موقعیت اجتماعی افراد دارد. تضعیف ارزشهای اخلاقی، بی‌اعتباری قانون، شیوع قانون‌گریزی و عادی شدن آن در قانون‌گریزی دخیل است (هاروی، ۲۰۰۷). در جامعه قانون با این هدف تصویب شده تا حفظ نظم را اجباری کند و آن را الگوی رفتاری جامعه تبدیل سازد (ستارک، ۲۰۰۷). در همه جوامع انسانی، افراد به خانواده‌ها، نهادها، کلیساها، ورزشکاران و همسایه‌ها متعلق هستند. این ساختار در درون گروه همه جوامع دیده می‌شود و این‌گونه شبکه‌ها و پیوندهای اجتماعی گروهی، نوعی نظم اجتماعی را برای بقای قانون ایجاد می‌کند (هابز، ۱۹۹۹).

قانون در لغت به معنای رسم، دستور، مقیاس و طرز رفتار آمده است (عمید، ۱۳۹۰: ۹۳۶). در اصطلاح متداول قانون به ضابطه کلی گفته می‌شود که بر رفتار افراد در عرصه‌های

مختلف حاکم است (گرچی، ۱۳۶۷: ۲۰۰). محور استحکام و انسجام هر جامعه‌ای توجه به قانون و رعایت آن است و قانون ستیزی روی دیگر استبداد است (شجاعی زند، ۱۳۷۹). هماهنگی با قوانین جامعه هم‌رنگی نیز نام دارد. هم‌رنگی نشان از انسجام در رفتار، عقاید، نگرش اعضای جامعه است (سیلدینی و گل‌دشتاین، ۲۰۰۴). گروه‌هایی برای تأمین امنیت اجتماعی و نظم نیاز به هم‌رنگی با یکدیگر و قانون دارند (ملود، ۲۰۱۱). هم‌نوايي با قانون مدنی دارای پیامدی مثبتی برای جامعه است (آرنسون و همکاران، ۲۰۰۷). هم‌نوايي و قانون‌گرایی در سالهای اول کودکی می‌تواند رفتارهای مناسب و مفیدی برای جامعه ایجاد کند (تیلور و فرانسیس، ۱۹۳۱). در اصل هم‌نوايي با قوانین جامعه در ایجاد و حفظ نظم و هنجار اجتماعی تأثیر مثبتی داشته و کمک می‌کند تا جامعه کارکردی بدون آشوب داشته باشد و بتواند رفتارها را با قوانین مکتوب پیش‌بینی کند. در این حالت وجود قوانین اجباری نظیر نظارت پلیس برای ممانعت از هنجارشکنی و رفتارهای خطرآفرین ضروری است (فورسیس، ۲۰۱۳). قانون هماهنگ‌کننده رقابت‌ها و خواسته‌های متضاد اجتماعی است و دارای ارزش سیاسی است و در جست‌وجوی به فعل درآوردن حداکثر خواسته‌ها با حداقل برخوردها و کشمکش‌هاست. قانون، ثمره هماهنگ‌کردن اداری و قضایی خواسته‌ها و رقابت‌های متضاد اجتماعی است (عضدانلو، ۱۳۹۰: ۴۷۰). براین اساس هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی عوامل اجتماعی^۵ فرهنگی مؤثر بر قانون‌گریزی شهروندان استان اردبیل است. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال اساسی است که چه عوامل اجتماعی^۶ فرهنگی در قانون‌گریزی شهروندان تأثیر دارد؟

پیشینه و چارچوب نظری

پژوهشی با عنوان «عوامل قانون‌گریزی شهروندان در شهر یزد» (۱۳۹۰) توسط شاه‌آبادی و ترکان صورت گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که بین سن و تحصیلات، طبقه اجتماعی، دین‌داری، سرمایه اجتماعی، نگرش به قانون، نظارت اجتماعی، عدالت توزیعی و قانون‌گرایی رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد؛ اما بین آشفته‌گی اجتماعی (آنومی) و

قانون‌گرایی رابطه معکوس و معنی‌داری وجود دارد. پژوهش دیگری با عنوان «تأثیرات کار غیرقانونی و بازدارنده‌های قانونی» توسط ریچارد و همکاران (۲۰۰۴) انجام گرفته که نتایج حاکی از این است که ارتباطات اجتماعی، مهارت اجتماعی، تلاش در جهت ارتقای مهارت ارتباط با دیگران و احساس توانمندی، در قانون‌گرایی تأثیر دارد. پژوهشی با عنوان «درباره دین و گرایش به قانون» (۲۰۰۸) توسط لوژین کوان صورت گرفته که نشان می‌دهد عقاید و باور و احکام و مناسک دینی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر قانون‌گرایی و اطاعت از قانون دارد. پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل روان‌شناختی مؤثر بر قانون‌گرایی» (۲۰۱۰) توسط وانگ ژيو شو لیو کینگ شانگ صورت گرفته که حاکی از این است بین میزان شناخت منفی از اعمال قانونی و تمایل به قانون‌گرایی ارتباط معکوس وجود دارد. همچنین میزان تجربه مثبت از اعمال قانونی، میزان دریافت شناختی از مشروعیت قانون، میزان برداشت از تجربه قانون‌گرایی و میزان آگاهی از تنبیه کیفری رفتارهای غیرقانونی و قانون‌گرایی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. پژوهشی با عنوان «مطالعه جامعه‌شناختی میزان قانون‌ستیزی در استان مازندران» (۱۳۷۳) توسط علیوردی نیا صورت گرفته که نشان می‌دهد صنعتی شدن، میزان سواد و توسعه شهری در قانون‌ستیزی تأثیر داشته است. پژوهشی با عنوان «عوامل فردی و فرهنگی^۵ اجتماعی مؤثر بر قانون‌گرایی و قانون‌گریزی شهروندان تبریز» (۱۳۸۴) توسط کلانتری و همکاران صورت گرفته که نشان می‌دهد قانون‌گرایی زنان و شهروندان متأهل بالاتر از مردان و شهروندان مجرد است. پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر قانون‌گرایی شهروندان ارومیه» (۱۳۸۸) توسط واحدی و همکاران صورت گرفته که نتایج نشان می‌دهد بین قانون‌گرایی با عمومیت قانون، ترس از مجازات، مذهب، و اطاعت از قوانین از روی شناخت و آگاهی رابطه معناداری وجود دارد. پژوهشی با عنوان «قانون‌گریزی در ایران» (۱۳۸۸) توسط دانایی‌فرد و همکاران صورت گرفته که نتایج نشان می‌دهد عوامل سیاسی، اقتصادی، قانونی، مدیریتی و اجتماعی^۶ فرهنگی در «قانون‌گریزی افراد جامعه تأثیر گذارند. پژوهشی با عنوان قانون‌گریزی وقتی که

سایرین مرتکب آن می‌شوند» (۲۰۰۹) توسط فریر صورت گرفته و نشان می‌دهد که سابقه جرم، منفعت‌طلبی، موقعیت اجتماعی و سن در ارتکاب به قانون‌گریزی تأثیر دارد.

قانون‌گریزی: منظور از قانون‌گریزی رعایت نکردن قوانین و مقررات اجتماعی است؛ مانند: پرداخت نکردن عوارض و مالیات، توجه نکردن به قوانین راهنمایی و رانندگی، تشکیل گروههای فشار، دزدی‌های کوچک و بزرگ، حق دیگران را نادیده انگاشتن، بی-توجهی به حفظ بهداشت خیابان و اماکن عمومی، بی‌توجهی به آلودگی صوتی، حفظ نکردن سلامت اماکن و آسیب رساندن به اتوبوسها و وسایل نقلیه عمومی، از بین بردن حرمت افراد جامعه و موارد بی‌شمار دیگر که در حال گسترش است (ماهرویی، ۱۳۸۱: ۲۵). نظم‌گریزی مترادف با قانون‌گریزی است که عوارض آن قانع نبودن شخص به حقوق خود، تعرض به حقوق دیگران، انجام ندادن تکالیف، گریز از مسئولیت، و وصول مقصود به هر طریق ممکن است (عباس‌زاده همکاران، ۱۳۹۲: ۳۶).

قانون و نظم اجتماعی: قانون اجتماعی باهدف کاهش رفتارهای نابهنجار و ایجاد نظم اجتماعی و زندانی کردن خاطیان نظم به کار می‌آید (فرهنگ لغت و بستر، ۲۰۱۴). در فرهنگ لغت، ماریان وبستر، قانون را عادت و رفتار انجام دهنده و مبنای عمل رفتار جامعه می‌داند. قاعده یا حالتی از رفتار یا عمل که توسط دولت تصویب شده و برای افزایش همنوایی و تقویت پیوند اجتماعی است (کوترل، ۲۰۰۰). قانون در اصطلاح جامعه‌شناسی، برای بررسی تعامل افراد با جامعه و مبارزه با بزهکاری اجتماعی به کار می‌رود (دنيس و همکاران، ۲۰۱۲). نهادهای اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، قوانین فرهنگی و فرایند حل تعارضات از مهم‌ترین حوزه مورد بررسی در جامعه‌شناسی است (زلزکی، ۲۰۰۸). قانون به‌عنوان وسیله‌ای برای تنبیه خاطیان و کنترل بزهکاران به کار می‌رود. در جوامع سنتی، وجدان جمعی، مدافع نظم بوده است و در دوره ارگانیک، قوانین حقوقی ترمیمی بر شخصیت و آزادی فردی توجه و تأکید دارد (گد، ۲۰۰۳).

مشکل نظم اجتماعی وقتی ایجاد می‌شود که موجود انسانی فردگرایانه عمل کند. اگر بر مبنای اهداف فردی تصمیم بگیرد به خاطر منافع شخصی خود، نظم اجتماعی را نقض می‌کند و اگر افراد با گروه‌های دیگر پیوند اجتماعی داشته باشد دیگر به دنبال نفع شخصی نیست بلکه نظم شهروندی و قوانین جامعه را رعایت می‌کند (بنفیلد، ۱۹۵۸). برای حفظ نظم اجتماعی افراد و گروه‌ها باید برای دستیابی به اهداف اجتماعی و حفظ آن به‌طور هماهنگ عمل کنند (السون، ۱۹۶۵). نظم اجتماعی به وضعیتی اشاره دارد که جامعه از طریق آن ثبات خود را حفظ می‌کند و خود را قادر می‌سازد که با محیط و فعالیت فرهنگی سازگاری داشته باشد و مردم باید فعالیتهای خود را برای دستیابی به اهداف عمومی با جامعه هماهنگ و سازگار کنند تا در یک زندگی اجتماعی باهمدیگر به‌طور مؤثر تعامل اجتماعی داشته باشند (هکتر و هورن، ۲۰۰۱: ۱۳).

قانون و اخلاق اجتماعی: ارزشهای اخلاقی نیز با قانون‌گرایی ارتباط دارد. گرچه هنجارهای اجتماعی برای افراد حالتی بیرونی دارند و گاهی با خواسته‌های فردی در تعارض هستند، در نهایت هنجارهای اجتماعی به بخشی از نظام درونی انگیزشی و راهنمایی رفتار افراد تبدیل می‌شود و به جای نظارت بیرونی نظیر پلیس، دولت و سایرین، عمل می‌کند؛ یعنی کنترل توسط دیگران تبدیل به خودکنترلی می‌شود. علت این امر در اخلاق اجتماعی، ایمان به وجدان جمعی، رعایت نظم جامعه و همنوایی با قوانین اجتماع است (هافمنز، ۲۰۰۰). جامعه‌پذیری اخلاقی به این اشاره دارد که از اوان کودکی توسط خانواده، مدرسه، والدین و اطرافیان، پلیس و غیره باید رعایت قانون و ارزشهای اخلاقی برای کودکان جامعه‌پذیر شوند (رابرت و همکاران، ۱۹۶۷: ۳۴۵). به این ترتیب آنها خود را با قانون‌گرایی و پذیرش اخلاقیات اجتماعی انطباق می‌دهند (ورثی، ۱۹۹۶: ۲۸). وجود کدهای اخلاقی در یک جامعه بسیار مهم و استواری هر جامعه‌ای منوط به وجود کدهای اخلاقی در آن جامعه است. کدهای اخلاقی نقش کنترل‌کننده‌ای در انحرافات اجتماعی یا خودپرستی افراد خواهند داشت. در نظریه تضاد، نظم اجتماعی برای حفظ طبقه مسلط

حاصل اجبار است. نظریه کارکردی نظم اجتماعی، به دنبال ایجاد ثبات در جامعه از طریق تقویت نظارت اجتماعی و اخلاقی و به تعبیری وجدان جمعی است (کروسمن، ۲۰۱۳: ۴۵). در انسجام مکانیکی، به دلیل شدت نظارت وجدان جمعی، مجرمان را به دلیل هر عملی که به یکپارچگی اجتماع آسیب وارد کند، تنبیه می‌کنند. چون مردم به شدت درگیر نظام اخلاقی هستند، قانون سرکوبگر این نوع واکنش را وضع می‌کند و چنین قانونی نیز به نوبه خود بازتابش مادی وجود یک وجدان جمعی قوی است و یک جامعه به واسطه انسجام مکانیکی یکپارچه می‌ماند (ریتزر، ۱۳۹۱: ۴۸).

بی‌هنجاری و قانون‌گریزی: در جامعه وقتی بی‌هنجاری یا قانون‌گریزی رخ می‌دهد که بین ساختار اجتماعی و فرهنگ، بین توانایی‌های از نظر ساختاری خلق‌شده مردم برای عمل در جهت هدفها و هنجارهای فرهنگی و خود هنجارها و هدفها یک مجموعه قطع ارتباطها صورت گیرد؛ یعنی انحراف از هنجار اجتماعی و قانون به دلیل گسست بین ارزشهای فرهنگی و ابزار اجتماعی - ساختاری دستیابی به آن ارزش‌هاست (ریتزر، ۱۳۹۱: ۱۴۴). به‌زعم «پارسنز» اجتماعی کردن و کنترل اجتماعی سازکارهایی هستند که به‌نظام اجتماعی کمک می‌کنند تعادل خود را نگه دارد (همان: ۱۳۲). میشل فوکو در رعایت قانون به خودکنترلی اشاره دارد. خودکنترلی مراقبت درونی است که بر اساس آن، وظایف محول انجام و رفتارهای ناهنجار و غیرقانونی ترک می‌شود و بی‌آنکه نظارت یا کنترلی خارجی در بین باشد، فرد تلاش خود را مصروف انجام کاری می‌کند که به عهده‌اش گذاشته می‌شود و مرتکب موارد نادرستی از قبیل کم‌کاری، قانون‌گریزی، عبور از مقررات شهری و... نمی‌شود (پیروز و همکاران، ۱۳۸۴: ۳۱۷). در بحث جامعه‌شناسی، کنترل اجتماعی، شامل اعتقادات درونی، رعایت حقوق شهروندی، احترام به نظم، همنوایی با هنجارهای اجتماعی، ایمان به مطلوبیت رعایت قوانین است که زمینه نهادینه‌سازی و جامعه‌پذیری قانون را در افراد ایجاد می‌کند (تام و همکاران: ۲۰۰۰).

کنترل اجتماعی و قانون‌گرایی: فردگرایی منفی در جامعه اثر مخربی دارد که معادل خودخواهی است. خودخواهی‌ها و ترجیح منفعت فردی بر منفعت جمعی، عاملی است که اخلاق را در جامعه ضایع می‌کند. پارسنز، نظم اجتماعی را در چهار حوزه، جهان‌بینی، هنجار اخلاقی، هنجار حقوقی و هنجارهای عملیاتی تقسیم می‌کند و بر این نکته تأکید دارد که نقش هنجارهای حقوقی در خصوص نظم مشخص بوده و به قانون و کدهای قانونی معطوف است و در برخی موارد ممکن است مانع ایجاد نظم اجتماعی شود. در دو حالت هنجارهای حقوقی عامل بی‌نظمی اجتماعی خواهد شد: ۱- تعارض قوانین، ۲- ابهام در هنجارهای حقوقی (چلپی، ۱۳۹۰: ۴۵). بر این اساس اخلاق در هنجار اخلاقی و اجتماعی بسیار مهم است. آشفتگی در این دو بُعد وضعی را ایجاد خواهد کرد که نتیجه آن جامعه آنارشی خواهد بود؛ یعنی جامعه‌ای که از نظر هنجارهای اجتماعی دارای تفاوت باشد (کوثری، ۱۳۹۱). افراد به‌طور طبیعی تمایل به کج‌رفتاری دارند و اگر تحت کنترل قرار نگیرند چنین می‌کنند (ریکلس، ۱۹۷۳).

کنترل اجتماعی درونی زمانی است که جامعه دارای همبستگی اجتماعی قوی است و فرد احساس تعلق قوی به جامعه دارد (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۹۰: ۱۰۹). منظور از اختلال هنجاری همان چیزی است که دورکیم آن را آنومی اجتماعی نامیده است که همان ضعف علقه اجتماعی و تعهد نسبت به هنجار در میان افراد جامعه است (چلپی، ۱۳۹۰: ۱۰۸). از منظر جامعه‌شناختی، عواملی از جمله نگرش مثبت به قانون، کاهش ارتکاب جرائم، افزایش مشارکت اجتماعی، بالا بودن انسجام اجتماعی و تثبیت نظام حقوقی در قانون‌گرایی تأثیر دارد (محسنی، ۱۳۸۴: ۶). هیرشی چهار عنصر اصلی در قانون‌گرایی را عبارت از: ۱- دلبستگی؛ ۲- تعهد؛ ۳- درگیری؛ ۴- اعتقاد می‌داند (ستوده، ۱۳۹۰: ۱۴۰). دین از منظر دورکیم باعث انضباط بخشی و حفظ میراث اجتماعی گروه و پدید آوردن احساس خوشبختی در جامعه می‌شود (شجاعی زند، ۱۳۸۰: ۵۴).

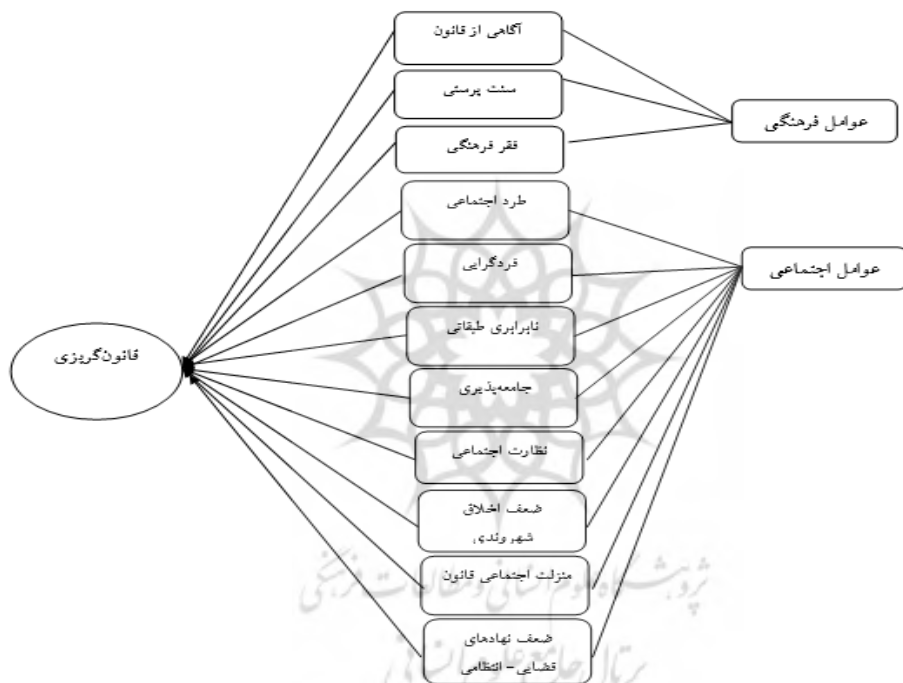
فقر و قانون‌گریزی: فقر با قانون‌گریزی رابطه‌ی معنی‌دار دارد. ناآگاهی و جهل به قانون، تعدد و تنوع خرده‌فرهنگها و توزیع و استفاده از امکانات و خدمات آموزشی و فرهنگی در سطوح محلی و ملی و گسترش روزافزون ارتباطات فراملی به پیدایش و تشدید تفاوتها و تعارضات عقیدتی، ارزشی و هنجاری در بین افراد جامعه و گروه‌ها منجر می‌شود که چنین عاملی منجر به سردرگمی افراد در تشخیص اهداف می‌شود. بر این اساس، فقر، بیکاری، نابرابری طبقاتی، فقر و محرومیت، تبعیض جنسی، قومی، مذهبی، اعتیاد، طلاق، سرگردانی و حاشیه‌نشینی، بی‌اعتمادی به پلیس، فقدان اعتماد به قانون، بی‌اعتمادی به نهادهای دولتی، رضایت اجتماعی و سطح فرهنگ جامعه در قانون‌گریزی شهروندان تأثیر معنی‌داری دارد (محققان، ۱۳۸۸: ۱۴۰).

ریشه‌های اجتماعی قانون‌گریزی: مطالعات نشان می‌دهد که عوامل زیر ریشه‌های قانون‌گریزی محسوب می‌شوند: خاموشی علم در ایران، موقعیت جغرافیایی، زندگی صحرانشینی (تنومند، ۱۳۷۸)، مهاجرپذیری، فرهنگ ستایش قدرت، تقدیرگرایی (قادری، ۱۳۸۱)، تقدم حق تجربی بر حق انتزاعی، رواج توجیهات قانون‌گریزی، اصرار بر اختلافات به جای حل اختلافات، پس‌افتادگی حقوق، تقدم فرد بر حق، تراکم و بی‌ثباتی قانون و فقدان آگاهی از قانون (عبدی، ۱۳۸۱)، بیگانگی از قانون، دوچهرگی قانون (حق‌شناس، ۱۳۸۱)، وجود جامعه هنجاری در مقابل جامعه قانونی (فیاض، ۱۳۷۸)، نبود قانون در ادوار مختلف تاریخ، استبداد تاریخی، نبود موفقیت در استقرار قانون، دوگانگی ارزشی در سطح جامعه، بی‌ثباتی قانونی (علوی تبار، ۱۳۷۶).

بر این اساس، خلاصه‌ای از عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی به شرح زیر است: ۱- فقدان و عدم نهادینه شدن روابط مدنی: با وجود نوسازی جامعه ایران، مسئولیت‌پذیری نسبت به هم بین مردم و دولت، مردم و مردم، و مردم و پلیس دیده می‌شود؛ ۲- فقدان التزام اخلاقی و هنجاری؛ ۳- قانون‌گریزی: قانون‌گریزی و هنجارشکنی در بین مردم دیده می‌شود؛ گویی با شکست هنجار زیرکی خود را نشان می‌دهند (جلائی پور، ۱۳۸۹: ۳۵)؛ ۴- دور زدن

قانون: قانون‌گزیزی در بین مردم تبدیل به هنجاری اجتماعی شده که به شکاف اجتماعی بین پلیس و مردم می‌انجامد؛ ۵- فقدان روحیه همکاری گروهی و جمعی در بین مردم و محلات (دانایی، ۱۳۸۸: ۱۵۸). بر این اساس، با توجه به مباحث نظری و پیشینه تجربی تحقیق می‌توان مدل مفهومی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر قانون‌گزیزی شهروندان را به شرح زیر ترسیم کرد:

نمودار ۱. مدل مفهومی پژوهش



فرضیه‌ها

- به نظر می‌رسد که بین آگاهی از قانون و قانون‌گزیزی شهروندان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

- به نظر می‌رسد که بین طرد اجتماعی و قانون‌گزیزی شهروندان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

- به نظر می‌رسد که بین سنت پرستی و قانون‌گریزی شهروندان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

- به نظر می‌رسد که بین فردگرایی و قانون‌گریزی شهروندان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد که بین نابرابری طبقاتی و قانون‌گریزی شهروندان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

- به نظر می‌رسد که بین جامعه‌پذیری و قانون‌گریزی شهروندان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

- به نظر می‌رسد که بین نظارت اجتماعی و قانون‌گریزی شهروندان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

- به نظر می‌رسد که بین ضعف اخلاق شهروندی و قانون‌گریزی شهروندان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

- به نظر می‌رسد که بین ضعف منزلت اجتماعی قانون و قانون‌گریزی شهروندان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

- به نظر می‌رسد که بین ضعف نهادهای قضایی - انتظامی و قانون‌گریزی شهروندان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

- به نظر می‌رسد که بین فقر فرهنگی و قانون‌گریزی شهروندان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

روش

پژوهش حاضر به لحاظ روش، پیمایشی (کمی)، از نظر ماهیت، کاربردی و ابزار اصلی آن پرسشنامه است. جامعه آماری پژوهش شامل نهادهایی از جمله دادگستری، استانداری، نیروی انتظامی و شهرداری بوده است که برحسب اهمیت مسئله برای شناسایی دقیق علل قانون‌گریزی انتخاب شده‌اند. حجم نمونه از تک‌تک نهادها برحسب حجم جامعه آماری متناسب با آن با مراجعه به جدول مورگان تعیین و پرسشنامه به صورت تصادفی سیستماتیک

در بین آنها توزیع شده است. بر این اساس از جامعه آماری ۳۰۰۰ نفری چهار سازمان فوق، در مجموع ۱۴۵۰ نفر به عنوان حجم نمونه برآورد شده‌اند. نتایج روایی و پایایی کل پژوهش از طریق آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۳ برآورده شده که حاکی از قابل قبول بودن مقیاس پژوهش است.

جدول ۱. روایی پژوهش

متغیرها	آلفای گویه
آگاهی از قانون	۰/۷۱
طرد اجتماعی	۰/۷۴
سنت پرستی	۰/۷۸
فردگرایی	۰/۷۴
نابرابری طبقاتی	۰/۷۱
جامعه‌پذیری	۰/۷۲
نظارت اجتماعی	۰/۸۰
ضعف اخلاق شهروندی	۰/۷۶
ضعف منزلت اجتماعی قانون	۰/۷۴
ضعف عملکرد نهادهای قضایی و انتظامی	۰/۷۰
فقر فرهنگی	۰/۷۶
آلفای کل مقیاس	۰/۷۳

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که آگاهی از قانون در سطح کم (۰/۴۵)، متوسط (۰/۲۴)، بالا (۰/۳۱)، طرد اجتماعی در سطح کم (۰/۳۱)، متوسط (۰/۲۲)، بالا (۰/۴۷)، سنت پرستی در سطح کم (۰/۳۸)، متوسط (۰/۲۴)، بالا (۰/۳۸)، فردگرایی در سطح کم (۰/۲۹)، متوسط (۰/۲۳)، بالا (۰/۴۸)، نابرابری طبقاتی در سطح کم (۰/۳۴)، متوسط (۰/۱۵)، بالا (۰/۵۱)، جامعه‌پذیری در سطح کم (۰/۲۴)، متوسط (۰/۲۶)، بالا (۰/۵۰)، نظارت اجتماعی در سطح کم (۰/۴۴)، متوسط (۰/۴۴)، بالا (۰/۲۳)، ضعف عملکرد نهادهای قضایی و انتظامی در سطح

کم (۳۸٪)، متوسط (۳۸٪)، بالا (۲۷٪)، فقر فرهنگی در سطح کم (۲۰٪)، متوسط (۲۹٪)، بالا (۵۱٪)، ضعف اخلاق شهروندی در سطح کم (۳۰٪)، متوسط (۱۴٪)، بالا (۵۶٪) و قانون‌گریزی در سطح کم (۱۷٪)، متوسط (۲۴٪)، بالا (۵۹٪) است.

جدول ۲. روابط بین متغیرهای پژوهش

متغیرهای تحقیق	نوع آزمون	ضریب همبستگی	سطح معناداری
آگاهی از قانون	پیرسون	-۰/۲۱۴	۰/۰۰۰
طرد اجتماعی	پیرسون	۰/۴۶۷	۰/۰۲۱
سنت پرستی	پیرسون	۰/۱۹۳	۰/۰۰۰
فردگرایی	پیرسون	۰/۳۶۹	۰/۰۰۰
ناابرازی طبقاتی	پیرسون	۰/۲۱۰	۰/۰۴۱
جامعه‌پذیری	پیرسون	۰/۶۱۰	۰/۰۰۱
نظارت اجتماعی	پیرسون	۰/۲۵۹	۰/۰۲۳
ضعف اخلاق شهروندی	پیرسون	۰/۴۷۱	۰/۰۰۰
ضعف منزلت اجتماعی قانون	پیرسون	۰/۴۹۲	۰/۰۰۰
ضعف عملکرد نهادهای قضایی و انتظامی	پیرسون	۰/۳۱۰	۰/۰۰۰
فقر فرهنگی	پیرسون	۰/۲۴۸	۰/۶۰۱

- یافته‌های حاصل از آزمون نشان می‌دهد که بین آگاهی از قانون و قانون‌گریزی شهروندان رابطه معنی‌داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی دو متغیر فوق در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ برابر با ۰/۲۱۴- است.
- یافته‌های حاصل از آزمون نشان می‌دهد که بین طرد اجتماعی و قانون‌گریزی شهروندان رابطه معنی‌داری وجود دارد. با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت که این یافته به کل جامعه قابل تعمیم است. بر این اساس هرچه بر طرد اجتماعی شهروندان افزوده شود یا میزان طردشدگی از سطح جامعه مدنی آنها بیشتر شود به همان میزان قانون‌گریز خواهند بود.

- یافته‌های حاصل از آزمون نشان می‌دهد که بین سنت پرستی و قانون‌گریزی شهروندان رابطه معنی‌داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی دو متغیر فوق در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ برابر با ۰/۱۹۳ است. بر این اساس چنین می‌توان نتیجه گرفت که هرچه شهروندان گرایش بیشتری به سنت‌ها و ارزشهای سنتی داشته باشند به همان میزان به خاطر فقدان تطابق قوانین نوین با سنتی، قانون‌گریزی بیشتری خواهند داشت.
- یافته‌های حاصل از آزمون نشان می‌دهد که بین فردگرایی و قانون‌گریزی شهروندان رابطه معنی‌داری وجود دارد. بر این اساس هرچه شهروندان فردگراتر باشند، به همان میزان قانون‌گریز خواهند بود. یکی از مهم‌ترین استان اردبیل با توجه به افزایش جمعیت شهرنشین آن، شیوع فردگرایی در روابط اجتماعی است که منجر به نادیده گرفتن منافع عمومی می‌شود.
- یافته‌های حاصل از آزمون نشان می‌دهد که بین نابرابری طبقاتی و قانون‌گریزی شهروندان رابطه معنی‌داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی بین دو متغیر در سطح معنی‌داری ۰/۰۴۱ برابر با ۰/۲۱۰ است. چنین می‌توان نتیجه گرفت که هرچه سطح نابرابری طبقاتی بین شهروندان بیشتر باشد به خاطر تضاد منافع و خصومت طلبی گرایش بیشتری به قانون‌گریزی پیدا می‌کنند. با کاهش نابرابری طبقاتی و گرایش به برابری طبقاتی، شهروندان بیشتر قانون‌گرا می‌شوند.
- یافته‌های حاصل از آزمون نشان می‌دهد که بین جامعه‌پذیری و قانون‌گریزی شهروندان رابطه معنی‌داری وجود دارد. در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ مقدار ضریب همبستگی دو متغیر برابر با ۰/۶۱ است. به احتمال ۹۹ درصد می‌توان گفت که رابطه فوق قابل تعمیم به جامعه آماری است. بر این اساس هرچه شهروندان جامعه‌پذیر شوند به همان میزان قانون‌گرا خواهند شد و برعکس هرچه شهروندان جامعه‌پذیر نشوند یا قوانین جامعه در شهروندان نهادینه نشود افراد خود را با قانون بیگانه خواهند دانست و در نهایت قانون‌گریز خواهند بود.

- یافته‌های حاصل از آزمون نشان می‌دهد که بین نظارت اجتماعی و قانون‌گریزی شهروندان رابطه معنی‌داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی دو متغیر در سطح معنی‌داری ۰/۰۲۳ برابر با ۰/۲۵ است. بر این اساس نظارت اجتماعی یکی از عوامل مؤثر در گرایش به قانون‌گرایی است. هرچه نظارت اجتماعی از سوی مردم، نیروی انتظامی و نهادهای دولتی قوی‌تر، منظم‌تر و علمی‌تر باشد به همان مانند بر میزان قانون‌گرایی مردم افزوده می‌شود، برعکس هرچه نظارت اجتماعی در جامعه بر شهروندان کمتر و روابط آنها دچار فرسایش شود، مردم قانون‌گریز خواهند شد.
- یافته‌های حاصل از آزمون نشان می‌دهد که بین ضعف اخلاق شهروندی و قانون‌گریزی شهروندان رابطه معنی‌داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی دو متغیر در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ برابر ۰/۴۷۱ هست. بر این اساس هر چه اخلاق شهروندی ضعیف‌تر باشد، میزان قانون‌گریزی بیشتر و برعکس هر چه اخلاق شهروندی قوی‌تر باشد به همان میزان شهروندان موظف به رعایت قانون خواهند شد.
- یافته‌های حاصل از آزمون نشان می‌دهد که بین ضعف منزلت اجتماعی قانون و قانون‌گریزی شهروندان رابطه معنی‌داری وجود دارد. به احتمال ۹۹ درصد می‌توان گفت که یافته‌های فوق با ضریب همبستگی ۰/۴۹ قابل‌تعمیم به جامعه آماری است. هر چه منزلت اجتماعی قانون در نزد شهروندان پایین‌تر باشد به همان میزان رعایت آن از سوی مردم الزام‌آور نخواهد بود.
- یافته‌های حاصل از آزمون نشان می‌دهد که بین ضعف عملکرد نهادهای قضایی و انتظامی و قانون‌گریزی شهروندان رابطه معنی‌داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی دو متغیر در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ برابر با ۰/۳۱۰ است. هرچه عملکرد نهادهای قضایی - انتظامی در اجرای قانون ضعیف‌تر باشد به همان میزان شهروندان نیز از رعایت قانون سرباز خواهند زد.

- نتایج حاصل از آزمون نشان می‌دهد که بین دو متغیر فقر فرهنگی و قانون‌گریزی رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

جدول ۳. خلاصه مدل رگرسیونی

ضریب تعیین خالص	ضریب تعیین	ضریب همبستگی چندگانه	شاخصهای مدل آماری
۰/۳۸۷	۰/۴۰۲	۰/۳۴۱	مقادیر

جدول ۴. رگرسیون چندگانه

Si g	T	Bet a	St d.B	B	متغیرهای تحقیق
۰/۰۰۰	۴/۲۱۹	۰/۳۴۵	۰/۴۰۱	۰/۲۳۴	آگاهی از قانون
۰/۰۰۰	۵/۷۸۶	۰/۲۲۱	۰/۳۲۱	۱/۴۳۱	طرد اجتماعی
۰/۰۰۴	۳/۲۰۹	۰/۳۲۵	۰/۲۱۵	۲/۰۷۶	سنت پرستی
۰/۰۱۲	۱/۸۰۱	۰/۳۱۴	۰/۴۵۲	۳/۵۶۷	فردگرایی
۰/۰۰۵	۲/۲۳۴	۰/۱۵۷	۰/۴۴۲	۰/۴۶۹	نابرابری طبقاتی
۰/۰۴۵	۴/۳۳۹	۰/۳۷۲	۰/۴۱۳	۰/۷۰۱	جامعه‌پذیری
۰/۰۱۰	۳/۱۱۹	۰/۳۲۳	۰/۲۸۰	۳/۳۳۱	نظارت اجتماعی
۰/۰۰۰	۴/۰۳۴	۰/۳۱۵	۰/۱۲۷	۲/۲۰۴	ضعف اخلاق شهروندی
۰/۰۲۶	۴/۳۲۴	۰/۴۶۲	۰/۴۵۱	۱/۶۲۱	ضعف منزلت اجتماعی قانون
۰/۰۰۰	۱/۲۱۵	۰/۴۴۱	۰/۱۹۷	۲/۲۳۱	ضعف عملکرد نهادهای قضایی و انتظامی
۰/۰۰۳	۴/۴۰۲	۰/۳۹۳	۰/۲۵۷	۱/۳۴۰	فقر فرهنگی

نتیجه‌گیری

قانون به ضوابط و قواعد مکتوبی اطلاق می‌شود که توسط اعضای جامعه برای تعیین مجازات کج‌روان تصویب شده تا افراد به ملزم به هم‌نوایی با اهداف و هنجارهای اجتماعی شوند. آگاهی از قانون جامعه در رسیدن به هم‌نوایی با آن تأثیرگذار است. وقتی شهروندان یک جامعه با ویژگی، کارکرد و ضوابط قانونی آشنا باشند، به خاطر داشتن دانش و اطلاعات کافی درباره آن، رعایت آن را امری الزامی خواهد دانست. جهل و نداشتن شناخت کافی نسبت به قانون منجر به بیگانگی با قانون یا به تعبیری قانون‌گریزی خواهد

شد. طرد اجتماعی به رانده شدن فرد از جامعه یا به تعبیری برچسب زدن به فردی است که در بین گروه اجتماعی زندگی می‌کند. با طرد شدن فرد از جامعه، بر میزان تخاصم و رفتار متناقض وی با قوانین جامعه افزوده می‌شود. وقتی شهروندان از طرف نهادهای اجتماعی یا جامعه ارج گذارده نمی‌شوند به همان میزان تخطی از قوانین را راحت‌تر انجام می‌دهند. با کنار زدن افراد از جامعه و مشارکت نکردن آنها در مسائل شهری، فرد خود را بیگانه با قوانین دانسته و خودبه‌خود در مقابل قانون قرار خواهد گرفت. بر این اساس با جذب افراد در شبکه و نهادهای اجتماعی از طرد شدن آنها جلوگیری و همچنین زمینه قانون‌گرایی آنها فراهم می‌شود. حضور شهروندان طردشده از عرصه اجتماع نیازمند سرمایه اجتماعی است که بتواند زمینه همگرایی و جذب شدن آنها در بین گروه‌های اجتماعی را ممکن سازد. وجود تناقض و ناسازگاری یا به تعبیری جامعه‌شناسانه وجود تجربه زیسته دوگانه و دوکسا، با خود نابهنجاریها و آسیبهایی زیادی به همراه دارد؛ یعنی زیست در دنیای مدرنیته با ساختمان ذهنی سنتی، زمینه همنوایی را بسیار کاهش می‌دهد و چنین تجربه متضادی مانع از همسازی و تطابق ارزشی فرد با هنجارهای جدید شهروندی می‌شود؛ یعنی زیستن فرد سنتی در جامعه نوین، زمینه‌ساز کژ رفتاری را مهیا می‌سازد و دنیای سنتی و مأنوس شدن با آن، به افراد اجازه آموزش و رعایت هنجار و قوانین را نمی‌دهد. ارزشها و معیارهای سنتی، زمینه ناسازگاری اجتماعی با قوانین جامعه را مهیا می‌کند.

فردگرایی یا ترجیح منافع فردی نسبت به منافع جمعی بر رفتار قانون‌گريزانه تأثیر مثبت دارد؛ یعنی هر چه افراد در جامعه به جای توجه به منافع عمومی و جمعی به دنبال رفتارهای خودخواهانه باشند کمتر تمایل به تبعیت از قوانین دارند. شیوع فردگرایی در جامعه منجر به بی‌تفاوتی به قوانین اجتماعی می‌شود و فرایند گریز از قانون را ممکن می‌سازد. در جوامعی که با سطحی از فردگرایی روبه‌رو بوده است، میزان همنوایی با قوانین به شدت اندک است. جوامع بشری با افزایش شکاف طبقاتی، فاصله بین فقیر و غنی و نابرابری طبقاتی با مشکلات عدید اجتماعی روبه‌رو می‌شوند. دورکیم در تقسیم کار اجتماعی خود، یکی از

نابهنجاری‌های عمده عصر نوین را نابرابری طبقاتی ذکر می‌کند و مدعی می‌شود که از صور نابهنجار تقسیم کار، گسترش نابرابری طبقاتی است. با افزایش نابرابری طبقاتی، نابهنجاریها اجتماعی نظیر قانون‌گریزی، خودکشی، قتل و بی‌اعتنایی به نظم اجتماعی افزایش می‌یابد. به زعم پارسنز، افزایش فاصله بین طبقات اجتماعی باعث بی‌تعادلی در نظم جامعه و کژکارکردی قانون می‌شود. مرتن استدلال می‌کند که با افزایش فاصله و نابرابری طبقاتی از بُعد اقتصادی و اجتماعی، افراد به چهار دسته طغیانگر، منزوی، واپسگر و ابداع‌گر تقسیم می‌شوند که هدف همه آنها دور زدن قانون است. به تعبیری شهروندان در این حالت برای ایجاد برابری اجتماعی رسیدن به هدفهای مشروع و مورد قبول جامعه مسیره‌های دیگر گریز از قانون و شکستن قانون را انتخاب می‌کنند. وجود فاصله و نابرابری گسترده و روزافزون بین افراد جامعه یکی از عوامل اصلی قانون‌گریزی افراد است.

جامعه‌پذیری به عنوان یکی از فرایندهای اجتماعی، تأثیرات عمیقی بر پایداری افراد به هنجارهای اجتماعی دارد. جامعه‌پذیری نقش مهمی را برای افراد در طول دوران زندگی بازی می‌کند؛ از این رو ثبات در فرایند جامعه‌پذیری و نبود تضاد و اختلافات درونی، آموزش الگوهای هنجارمند و اجتماعی، تقویت قواعد مثبت زندگی اجتماعی و کنترل اجتماعی و... که خود محصول ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه‌پذیری هستند از جمله زمینه‌هایی به شمار می‌روند که می‌توانند در پایداری به هنجارهای اجتماعی افراد مورد توجه قرار گیرند.

مذهبی بودن، قانون‌گرا بودن، پیوند عاطفی فرد با جامعه و نظارت اجتماعی بر افراد از جمله مصادیق این تأثیر هستند. در جوامع نوین برای پایداری افراد به هنجار و ارزشهای تصویب‌شده لازم است نظارتی مدون و منظم صورت بگیرد. به زعم هابز، جامعه بدون نظارت اجتماعی، به مثابه گرگ می‌شود و افراد همدیگر را می‌درند و برای مدیریت اوضاع طبیعی و ملزم‌سازی آنها به قوانین و کاهش نزاع و قتل، نیاز است نظارتی همراه با مجازات صورت بگیرد. طبق یافته‌ای هیرشی و رکلس، شرط تداوم نظم جامعه وجود عنصری از

نظارت یا بازدارندگی در جامعه است. جامعه از دو نظارت اجتماعی درونی و بیرونی تشکیل یافته است. نظارت درونی شامل تعهد، باور و دلبستگی عاطفی به قوانین جامعه است و نظارت بیرونی شامل تلاش همه نهادهای اجتماعی، انتظام پلیسی، نهادهای دولتی و جامعه مدنی در هم‌نواپی با قوانین جامعه است. فقدان نظارت یا تضعیف در نظارت بر شهروندان، منجر به آزادی و بی‌بند باری در نظم‌پذیری می‌شود. به‌زعم پارسنز و دورکیم، چون افراد جامعه دارای آرزوهای نامحدود و سیری‌ناپذیر هستند، در صورت نبود نظارت اجتماعی بر آنها، بی‌هنجاری و قانون‌گریزی به امری عادی تبدیل می‌شود و نوعی آنارشیزم در روابط اجتماعی رواج می‌یابد. با ضعف اخلاق شهروندی، قانون اعتبار و منزلت خود را از دست می‌دهد. اگر افراد و گروه‌های اجتماعی از نظر اخلاقی نیز دچار نابسامانی باشند، بر سر تشخیص اهداف و راه‌های رسیدن به اهداف دچار سرگردانی می‌شوند و از لحاظ اخلاق نظری و اخلاق عملی دچار تعارض می‌شوند و طبق هنجارها و قواعد عمل نمی‌کنند و انگیزه مشارکت در امور قانونی را از دست می‌دهند. این افراد در جهت رسیدن به اهداف فردی با صرف هزینه‌های عمومی به خودخواهی ادامه می‌دهند و از جامعه انتقام می‌گیرند. ارج و منزلت قانون و هنجارهای اجتماعی بستگی به میزان پذیرش و مقبولیت آن از سوی شهروندان یک جامعه دارد. افراد جامعه وقتی به ارزشهای نهادینه‌شده بیشترین توجه و التزام را دارند که برای آن ارج و اعتباری در نزد خود قائل باشند. میزان اقتدار قانون نیز به جایگاه منزلتی آن در جامعه بستگی دارد. با تضعیف منزلت اجتماعی قانون و بی‌توجهی عمومی به رعایت آن، قانون‌گریزی در بدنه جامعه رسوخ می‌یابد و بی‌هنجاری و دور زدن قانون متداول می‌شود. ارزشهای مورد قبول گروه به تعبیر پارسنز و دورکیم زمانی کارایی و اقتدار خود را به دست می‌آورد که بر افراد تحت حمایت خود بتواند کنترلی داشته باشد و همچنین جامعه برای آن منزلت اجتماعی ارزش قائل شود، در این صورت میزان بزهکاری و آسیب‌های اجتماعی کاهش می‌یابد. همچنین قانون از منزلت اجتماعی می‌افتد که بخشی از

جامعه که مدبری یا ریاست مجموعه‌ای را بر عهده‌دارند نسبت به آن بی‌اعتنا باشند در این حالت قانون‌گریزی از سوی اجتماع عادی می‌شود.

نهادهای قضایی و انتظامی نیز نقش مهمی در واگرایی و همگرایی با قانون دارند. این دو نهاد بیشتر از سایر نهادهای جامعه در رعایت قانون برجسته هستند. ضعف و اختلال در اجزا کارکردی این نهادها زمینه‌ساز بی‌تفاوتی اجتماعی نسبت به قانون است. وقتی نهادهای قضایی - انتظامی در رعایت قانون آن‌گونه که باید، پایبندی از خود نشان ندهند، قانون ارزش خود را از دست می‌دهد. هرچه نهادهای فوق در رعایت قانون بیشتر اهتمام داشته باشند به همان میزان مردم نیز خود را ملزم به پایبندی نسبت به قوانین می‌دانند.

منابع

- ۱- برنارد، تامس و دیگران (۱۳۹۱) *جرم‌شناسی نظری و لید* ترجمه علی شجاعی. تهران: نشر دادگستر (نشر اثر اصلی ۱۹۸۹)
- ۲- پیروز، علی آقا و همکاران (۱۳۸۴) *مدیریت در اسلام*. پژوهشگاه حوزه
- ۳- تنومند، محسن (۱۳۷۸) *عوامل و موانع قانون‌گرایی در جامعه*. تهران: معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ۴- جلائی پور، حمیدرضا و جمال محمدی (۱۳۸۹) *نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی*. تهران: نشر نی
- ۵- جوادی یگانه، محمدرضا؛ مجید فولادیان و حسن رضایی (۱۳۸۹) «بررسی عوامل مؤثر بر قانون‌گرایی در نظام اداری کشور». *فصلنامه دانش‌آزایی*، سال دوم، شماره پنجم.
- ۶- چلیپی، مسعود (۱۳۹۰) *جامعه‌شناسی نظم*. تهران: نشر نی
- ۷- حق‌شناس، علی محمد (۱۳۸۱) *بیگانگی اجتماعی بستر بی‌قانونی*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۸- دانایی‌فرد، حسن؛ آذر، عادل و علی صالحی (۱۳۸۸) «قانون‌گرایی در ایران». *دانش انتظامی*، سال یازدهم، شماره سوم.
- ۹- ریترز، جورج (۱۳۹۱) *نظریه جامعه‌شناختی معاصر*. ریشه‌های کلاسیک آن ترجمه خلیل میرزایی و علی بقایی سرایی. تهران: جامعه‌شناسان (نشر اثر اصلی ۲۰۰۳)

- ۱۰- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۹۰) آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: آوای نور
- ۱۱- شاه‌آبادی، اکبر زارع و رحمت‌الله ترکان (۱۳۹۰) «عوامل مؤثر بر قانون‌گرایی شهروندان در شهر یزد». فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال سیزدهم، شماره ۵۰
- ۱۲- صداقت، کریم (۱۳۸۴) بررسی عوامل اجتماعی فرهنگ‌گرایی مؤثر بر قانون‌گریزی و قانون‌گرایی شهروندان تبریزی. پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم اجتماعی
- ۱۳- طاهری، ابوالقاسم (۱۳۷۹) تاریخ اندیشه‌های سیاسی در غرب. تهران: قومس
- ۱۴- عباس‌زاده، محمد و همکاران (۱۳۹۲). «بررسی نقش مداخله‌گرایان عزت‌نفس بر میزان قانون‌گرایی رانندگان». مطالعات راهور، سال دوم، شماره ۵
- ۱۵- عبد‌الهی، محمد (۱۳۷۸) موانع قانون‌گرایی و راههای مقابله با آنها در ایران. تهران: معاونت پژوهش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ۱۶- عبدی، عباس (۱۳۸۱) نارسایی‌های قانون و حقوق در فرهنگ عمومی. تهران: طرح نو
- ۱۷- عضدانلو، حمید (۱۳۹۰) آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی. تهران: نشر نی
- ۱۸- علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۶) بررسی روحیه جمعی و قانون‌پذیری در جامعه. تهران: اداره کل دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی
- ۱۹- علیوردی‌نیا، اکبر (۱۳۷۳) جامعه‌شناختی میزان قانون‌ستیزی در استان مازندران. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ۲۰- عمید، حسن (۱۳۹۰) فرهنگ عمید. تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر
- ۲۱- فرشاد، شریعت (۱۳۸۴) مبانی اندیشه سیاسی در غرب از سقراط تا مارکس. تهران: نشر نی
- ۲۲- فکور، علی (۱۳۷۸) «قانون، قانون‌گرایی و گروه‌های اجتماعی». نشریه فرهنگ عمومی، شماره بیستم
- ۲۳- فیاض، ابراهیم (۱۳۷۸) جامعه‌هنجارمند و جامعه‌قانونمند. تهران: معاونت پژوهش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ۲۴- قادری، حاتم (۱۳۸۱) تبارشناسی یک مشکل. تهران: طرح نو

- ۲۵- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰) مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران. تهران: شرکت سهامی انتشار
- ۲۶- کلانتری، صمد و همکاران (۱۳۸۴) «ارتباط فقر با قانون‌گریزی». *رفاه اجتماعی*، دوره ۵، شماره ۱۸
- ۲۷- کوثری، مسعود (۱۳۹۱) «آسیب‌شناسی قانون‌گرایی و اخلاق اجتماعی در کشور». *همایش نشست‌های علمی*. شماره ۵۵
- ۲۸- کوزر، لوئیس آلفرد و برنارد روزنبرگ (۱۳۹۰) *نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی*. ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی (نشر اصلی ۲۰۰۶)
- ۲۹- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۶۷) *حکومت در اسلام*. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر
- ۳۰- ماهروی، ابوالحسن (۱۳۸۱) «حقوق و تکالیف شهروندی و قانون‌گریزی شهروندان». *نشریه عدالت*، شماره سه، دوره دوم.
- ۳۱- محسنی، رضا علی (۱۳۸۴) «رابطه قانون‌گرایی با کاهش جرائم». *ماهنامه رادری*، شماره ۵۱، سال نهم.
- ۳۲- محققیان، زاکر (۱۳۸۸) *جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی*. تهران: پرتوی دانش
- ۳۳- واحدی، شهرام، رحیم بدری (۱۳۸۸). «بررسی عوامل مؤثر بر قانون‌گرایی شهروندان». *دانش انتظامی*، سال اول، شماره دوم.
- 34- Aronson, E; Wilson, T. D. Akert, R. M. (2007). *Social Psychology* (6th ed). Upper Saddle River.p1.N31.
- 35- Banfi eld, Edward C. (1958). *The Moral Basis of a Backward Society*. P.87.
- Cialdini, R. B. & Goldstein, N. J. (2004). *Social influence: Compliance and conformity*.P. 591° 621.
- 36-Cicero, De .(1977). *Officiis*, For the translation given above, see, for example, Adler and Doren, *Great Treasury of Western Thought*, Bowker, 1977, p 851.
- 37-Cotterrell. (2002). *Sociology of Law*, Jary, Collins Dictionary of Sociology, 636.
- 38-Crossman, A. (2013). 'Sociological Theories'.P54.

- 39-Dennis J. Baker, Glanville Williams. (2012). Textbook of Criminal Law, Review: 54, P.P. 163-180
- 40-Ferrer, R. (2009). Breaking the Law, When Other Do. p. 23.
- 41-Forsyth, D. R. (2013). Group dynamics. New York: Wadsworth. ISBN 978-1-13.
- 42-Gad Barzilai. (2003). Communities and Law. ISBN 0-472-11315-1.
- 43-Harvey, O.L. (2007). The Law- Breaking Situation. P. 85, 85-86.
- 44-Hechter, M. and Horne, C. (2001). Theories of Social Order. NO128.1
- 45-Hechter, M. Horne, C. (2003). Theories of Social Order. A Reader. Stanford University Press.
- 46-Hobbes, T. (1999). Leviathan or The Matter, Forme and Power of a Common Wealth Ecclesiasticall and Civil.
- 47-Hoffman Martin L. (2000). Moral Internalization: Current Theory and Research. P. 89
- 48-Klerman D, Mahoney PG. (2007). "Legal Origins" (PDF). Journal of Comparative Economics 35 (2): 278° 293.
- 49-Lou Xin-quan. (2008). "On Law-abiding and Religion", Journal of Guangxi Youth Leaders College. pp: 2
- 50-McLeod, S. (2011). "Conformity". Simply psychology.
- 51-Olson, Mancur. (1965). The Logic of Collective Action. Cambridge, Mass. P12M3.
- 52-Richard, M & Wills, (2004). "Impacts of illegality & barriers to legality a. PP: 282-292.
- 53-ROBERT D. HESS & JUDITH V. TORNEY. (1967). THE DEVELOPMENT OF POLITICAL ATTITUDES IN CHILDREN 95-96
- 54-Stark, rt. (2007). Sociology. ISBN? Journal of Abnormal and Social psychology, Volume 32, York: The Free Press
- 55-Stewart and Burgess. (1996). Collins Dictionary of Law. HarperCollins Publishers. ISBN 0-00-470009-0. Page 229

56-TOM R. TYLER & STEVEN BLADER. (2000). COOPERATION IN GROUPS.9

57-Wang Xiao-shuo & Liu Qing-shun. (2010). An Analysis of Psychological Factors of Law-abiding Behavior.P14-45.

58-Worthy, Patricia M. (1996). Diversity and Minority Stereotyping in the TelevisionMedia, 18 HASTINGS COMM.

59-Zaleski, Pawel. (2008). "Tocqueville on Civilian Society. NB50.

